

## الواح منزله خطاب به علماء تبریز و حاجی میرزا آقاسی

حضرت باب بعد از برگزاری مجلس ولیعهد و واقعه تعزیه دوباره به چهریق معاودت نموده و دو لوح مفصل نازل فرمودند یکی مخاطباً للعلماء که در آن با شفقت و مهربانی آنان را به دین الهی دعوت کردند و در عین حال آنها را انداز و تحذیر نمودند که اگر با گوش قبول کلمه الله را نپذیرند و در صدد گمراه کردن بندگان خدا برآیند در دو عالم مشمول قهر و غضب خدای توانا خواهند شد و راه به جایی برای آنها متصور نیست و دیگر لوح قهریه خطاب به حاجی میرزا آقاسی است که بوسیله حجت زنجانی ارسال و به دست وی رسیده است. در اینجا متن لوح علماء به نظر خوانندگان می رسد.

بسم الله الامنع الاقدس

سبحان الذی یسجد له من فی السموات و من فی الارض و انا کلّ له ساجدون  
سبحان الذی یسیح له من فی السموات و من فی الارض و ما بینهما و انا کلّ له  
قانتون شهد الله انه لا اله الا هو یحیی و یمیت ثم یمیت و یحیی و انه حی لا یموت  
و فی قبضته ملکوت کلشیی یخلق ما یشاء بامرہ کن فیکون شهد الله انه لا اله الا

هو المهيمن القيوم و ان هذا هو القائم الحق الذى كنتم به توعدون و بعد لا ريب انا و اياكم نريد الحق و لكننا قد وجدنا الى ذلك من سبيل بما قد وجدنا من آيات الله التى يعجز عنها العالمون و ان هذا ما يثبت به ديننا من قبل و ان على ما حَقَّق بيننا و بينكم ان لم يعدل حديث بما نزل الله فى الكتاب فاذا لم يعمل به من اراد ان يتخذ الى الله سبيلا و انا قد سمعنا ما قد قضى فى ظهور محمد صلى الله عليه و آله و لا ريب ان ظهور مهدى ذلك عين ظهور محمد عند الذين هم الى نقطة الامر ينظرون بل ذلك عين كل ما قد بعث الله من نبي اذكل بامر الله يخلقون و ان ذلك مبدأ الامر الذى لا اول له الى آخر الذى لا آخر له و كل به قائمون و ان مثل ذلك كمثل الشمس و ان ما دونها من كل نفس ذات مرآت اذا تقابلها يجد فيها ما يتجلى الشمس لها بها فى نفسها بما هى فيها و عليها من عند ربها فاذا كل من الشمس يبدون و اذا كل من يبعث لم يكن الا ما قد بعث ذلك امر الله خلق واحد كل به يخلقون و كل به يرزقون و كل به ليموتون و كل به ليحيون و فى كل ظهور يرفع ما يشاء و ينزل ما يريد لم يشاء الا ما قد شاء الله ربه و لم يرد الا ما قد اراد الله ربه فى الكتاب ذلك يفصل الله ما يشاء الآيات لعلمكم تعقلون ثم تؤمنون و ان هذا معنى حديث انتم كلكم تذكرون اذا ظهر القائم باذن ربه فاذا ليدركن من آدم الى محمد انتم كل ما تحبون ان تنظرون الى نبي تتبعونه فاذا لتنظرن الى فان كلا قد بدء من ذلك الشجر و يرجعن اليه ذلك امر الله كل به قائمون و انما الناس اموات لا يعلمون و يظنون انهم فى دين الله و هم قد خرجوا كما دخلوا فيه ولكن لا يشهدون ولو عرفوه لم يحتجب عنه من احد ممن بقى من دين آدم و قبل آدم الى ما لا اول له فان ذلك ليتوجهن الى الله ربه ولكن لما احتجب لم يكن يومئذ من المؤمنين و ان بمثل ذلك من يصبر فى الفرقان و لم يؤمن بالله و آياته يرى نفسه على انه فى رضاء الله ولكن لم يحط علمه بما قد شهد الله عليه كذلك يومئذ كل مبتلون ما تعملن من نفس الا و تريد ان تعمل لله ولكن لم يشهد الله عليها الا بمن آمن به كذلك يومئذهم فى رضاء الله خالدون و من يريد الله ان يظهره على سن ثلاثين بعد ما قد قضى عليه الف سنة لم يكن دون هذا و ما قضى ما انتم تظنون هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن ذلك شمس المشية كلما طلعت باذن الله او غربت انما هى شمس واحدة فلا تحتجب بالدلائل التى انتم بها تجهدون فان هذا ثبت بقول من جعله الله للرسول شهيدا بعده فانه يثبت ما قد اتاه الله من النبوة و الكتاب بما نزل عليه من الآيات هنالك انتم تنظرون فلتخفن من انفسكم ما انتم تحبون فى دين الله فان الله لغنى عما انتم تعملون لو تنفقن عما على الارض لن تقدروا ان تزيدوا على اللتين من حرف و لا تنقصن من حرف ولكن الله يفعل ما يشاء ولتعرفن قدر ايام الله بينكم فان الشمس اذا غربت لن تجدن اليها من سبيل الى يوم القيمة و انتم فى الليل

تسلکون کل ما انتم تنسبون الی الحق قد تحقّق بقول الله ذلك مبدء الامر فكيف انتم لا تتقون فلا سبیل لكم ان تؤمننّ بالقرآن الآ و ان تؤمنن بالبيان و ان علیه سواء ان تؤمنون او لا تؤمنون هل یرضی احد منکم حينئذ بقدر ان یقول انی علی دین عیسی فاذا لا یرضی من بعد ان یقولنّ ما انتم لتدینون و انّ ما شرع عیسی ع من الدین من عند الله ذلك دین محمّد فی ظهوره و ذلك دین قائمکم فی ظهوره یرید الله ان یخفف عنکم دینکم فتشکرن الله فی ایام ربکم و لتکوننّ فی دین الله من الموقنین و انما الفرج ما قد اتاکم الله حیث قد اظهر عبداً و آتاه البیتات من عنده مثل ما قد اتی محمّداً من قبل و لم یکن دون ذلك حجّة یومئذ و لتکفین ذلك عند المؤمنین مثل ما قد نزل الله من قبل فی کتاب عظیم اولم یکفهم انا انزلنا علیک الکتاب یتلى علیهم ان فی ذلك لرحمة و ذکری لقوم یؤمنون و اگر فرج تملک و عزّت یا علم بقرآن و شتون مختلفه بود از بعد رسول الله ص تا امروز کلّ اینها نزد مؤمنین چه از سنّی و چه از شیعه بوده و هست بل فرج آنست که خداوند حجّتی را مبعوث فرماید و حجّتی باو بدهد که کل از او عاجز باشند چنانچه به محمّد رسول الله عطا کرده و امروز قرآن حجّت اوست نه غیر آن در نزد کلّ امت چرا محتجب شوید بشتون علمیه یا عملیه یا ملکیه یا عزّیه و حال آنکه شبهه نیست که شب و روز در نزد خود از روی حق عمل می کنید ولی بر نفس خود مشتبه کرده اید امر را چنانچه در ظهور حق امت قبل بهمین اشتباه مانده اند و بزعم خود للله مانده اند و حال آنکه در نار ماندند و حال آنکه فرج ظاهر است چرا امروز این نوع در اسلام واقع شود که دو سلطان باسم اسلام سلطنت کنند در روم و عجم و علمای مالانهایه باین اسم فتوی دادند و از کسی که اسلام باو ثابت است محتجب گردند و حال آنکه حجّت او ظاهر است غیر از آیات شینی را حجّت قرار نداده و اگر کسی امروز تصوّر کند می داند که این اعظم معجزات بوده و هست و کل غافل بوده بآنچه در قرآن دیده ولو اجتمع من علی الارض الخ استعجاب نمودند بلی اگر غیرالله نازل کرده بود ممتنع چنانچه از بعثت تا اول این ظهور که هزار و دویست و شصت گذشت کسی نیامده که در مقابل قرآن اتیان کند و حال که کسی آمده شکّی نیست که من عندالله است بدیهی است که اگر من غیر عندالله می شد لازم بود مر خداوند مقتدر علیم بصیر را که بایّ وجه کان دفعش نماید چنانچه در کلام مجید می فرماید که ولو تقول علينا بعض الاقاویل لاخذناه بالیمین و لقطعنا عنه الوتین ۴۱ یا اینکه حجّتی از جانب خود انگیزاند که در مقابل او بهتر از آن یا مثل آن اتیان کند و چون در اینمذت پنجسال مهلت از جانب ربّ قدیر شد ثابت شد حقیقت این امر همچنان که به همین دلیل الآن نبوت نبیّ ثابت می شود نه بغیر از این از تواتر و غیر ذلك لانّ التواتر لا ینفع المنکر مثل اهل الکتاب ۴۲ و از اول ظهور تا حال روز بروز در انتشار

و شیوع است و بهیچوجه من الوجوه نقص در این بهم نرسیده و نخواهد رسید لانّ الله يتمّ نوره ولو كره المشركون ۴۳ و هرچه اعتراض در این وارد آید بعینه همان اعتراض در نبوت نبی وارد خواهد آمد پس لابدید از اینکه این امر را قبول کنید و یا از دین خود نکول ننمائید و حجّیت قرآن را انکار کنید و حال آنکه اگر کسی بتواند تحریر نماید در محضر او لیلاً و نهاراً در عرض چهار روز نازل می شود آنچه در بیست و چهار سال نازل شد و شبهه نیست که این همان منتظر است که شمس حقیقت باشد زیرا که غیر آن مقتدر بر آیات الله نبوده و نیست چنانچه در هر ظهوری باسمى ظاهر و این بعینه همان محمّد رسول الله است که در یوم قیامت بظهور الله ظاهر شده چنانچه از اول قرآن تا آخر آن غیر از این ذکر عظیمی نیست و لقاء اوست که لقاء الله است زیرا که لقاء ذات ازل ممتنع است و آنچه در قرآن ذکر لقاء الله شده مراد لقاء آن حقیقت است که از جهت نسبت تشریف خداوند بقاء خود نسبت داده چنانچه کعبه را بیت خود خوانده اوست که منتظر است که تجدید کند فرائض و سنن را و اوست که حضرت صادق علیه السلام در حق او می فرماید که سیصد و سیزده نفر کافر می گردند و فرار می نمایند و راجع می گردند بعد از آنکه امر بدین صعبی باشد چرا در آن تأمل نکرده و شب و روز بزعم آنکه از برای خدا عمل می شود کرد یکدفعه باطل شود چنانچه ظهور حضرت قیامت صغری شمرده شده از عظمت و صعق من فی السموات و من فی الارض و ما بینهما ظاهر که چگونه کل در صعق دون ایمان رفتند چرا تفکر در احادیث نمی کنند مگر حدیث آذریایجان را ندیده اند در جلد سیزدهم بحار الانوار که لابد لنا من آذریایجان لا یقوم لها شیئی فاذا کان كذلك فکونوا احلاس بیوتکم و البدوا ما البدنا و اذا تحرک متحرک فاسعوا الیه حبوا کاتی انظر بین الرکن و المقام بانّ الناس بیایعونه و هو لا یقبل عنهم الا بان یعمل و یحکم بینهم بالاحکام الجدید الحدیث نقل بالمعنی و همچنین در کتاب مزبور احادیثی که در خصوص متسجّن بودن صاحب این امر وارد شده و همچنین حدیث مفضلّ که سنوال کرد چگونه می شود ابتدای این امر و اول ظهور فرمود که باشتباه حال ظهور می کند تا آنکه امرش ظاهر و ذکرش در میان مردم بلند می گردد بعد از آن با نام و نسب و کنیه در میان مردم ندا می شود که به شنیدن آن حجّت بر همه عالم تمام می شود و همچنین حدیث اذا قام قائم منّا بخراسان ۴۴ و اذا قام قائم منّا بجیلان ۴۵ الحدیث و همچنین گذشت علاماتی خبر داده اند مثل انشقاق الفرات و انهدام جدار الکوفه و قتل اهل المصر امیرهم و الجراد و الطاعونین و الدجال و آیات السّود من جانب الخراسان و قتل نفس ذکیّة روحی و ما فی علم ربّی فداء و قتل الحسنی و الکسوف و الخسوف و هكذا بوقوع رسید علاماتی که جناب امیر روحی و مافی علم ربّی فداء می فرماید در دیوان خود:

بنی اذا ما جاشت التّرك فانتظر  
و ذلّ ملوک الارض من آل هاشم  
صبی من الصّبیان لا رأی عنده  
فثم یقوم القائم الحق منکم  
سمی نبیّ الله نفسی فدائه

ولایة مهدی یقوم و یعدل  
و بویع منهم من یلد و یهزل  
و لا هو ذو جدّ و لا هو یعقل  
و بالحق یعطیکم و بالحق یعمل  
فلا تذلولوه یا بنیّ و عجلوا ۴۶

ای مقدّسین بی انصاف بر خود و توابع خود رحم نمائید بترسید از روزی که  
یلتف السّاق بالساق ۴۷ و از روزیکه پیرسند خازنان دوزخ الم یأتکم نذیر و یقولون بلی  
قد جائنا نذیر فکذبنا و قلنا ما نزل الله من شیئی ان انتم الا فی ضلال کبیر ۴۸ و  
ملاحظه بکنید ببینید که اگر کسی از شماها ادعا کند که امشب در خواب حضرت  
صاحب را دیدم چقدر حرمت آن شخص را مرعی و منظور می دارید اگر بگوید دیدم  
در فلانجا ایستاده زیارتگاه می نمائید و حرمتش را ملاحظه می کنید اما نمیدانم چه  
واقع شده است که الآن با این حجج واضح و براهین ناطقه احتمال هم نمی دهید که  
خود حضرت منتظر روحی و ما فی علم الله فداه بوده باشد و اطاعت سهل است  
چگونه رفتار با آن بزرگوار و اصحابش نموده و می نمائید که خود در حبس و  
اصحابش کلاً دریدر هستند صادق شد احادیث اهل بیت کلاً از جمله فرمودند وقتی  
که حضرت ظهور می کند علمای امت من بنای محاربه با او می گذارند، اذیت هائی  
که برسول الله رسیده به آنحضرت می رسانند بجهت آنکه کلام خدا را بنا باعتقاد  
باطله خود توجیه کرده باو می جنگند و داخل جریده آفتاب پرستان و ماه پرستان  
می باشند عزیز من پرهیزید از آنکه ما صدق این حدیث بوده باشید به علم خود  
مغرور مباشید و به عمل خود مطمئن نه، ای بسا عملی که بغیر رضاء الله بوده  
بگمان آنکه رضای حق در آنست و بسا عملی که در طریق غیر حق بوده بمظنه  
حقیّت بلی اگر کسی در حین عمل گمان کند که غیر رضاء الله است هیچ حقی مظلوم  
نمی شود و حال آنکه در همان حین حجّت بر او بالغ بوده و جحدوا بها و استیقننها  
انفسهم ۴۹ در حق او صلق می کرده ولی چون مغرور بحقیّت خود بوده هلاک  
می گشتند مستشعر نمی شده چنانکه مؤمنین رسول الله را در اسلام بودند که حجّت  
شوند بر دین مؤمنین اگر چه این زمان غیر از آن خداوند ظاهر فرموده که هر دقیق  
التّظری که در هر جا هست بابی گشته بل در آثار دیدم که اگر غیر از سیصد و  
سیزده نفر نقباء بودند جمع می شدند و حال مؤمنین بقرآن کل منتظر بر مهدی آل  
محمّد علیه السلام هستند بر قلب هیچکس از ایشان دین ایمان باو خطور نمی کند  
چنانچه بر مؤمنین به روح الله که منتظر احمد رسول الله بودند بر قلب هیچ کس

خطور نمی‌کرد که بیاید و ظاهر شود و ایمان نیاورند و حال آنکه شنیده شده و ظاهر است امر بشک و شبهه نیست که این ظهور همان ظهور موعود است که احادیث لایعدّ در او ذکر شده تا اینکه حتّی یخرج من یدق الشعر بشعرتین حتی لا یبقی الاّ نحن و شیعتنا ۵۰ فرموده‌اند و کل ظاهر شد. و اگر اتباع حق کرده بودند آنچه که ملاحظه نفع می‌کردند در دنیا تا حال از برای ایشان شده و هیچ چیز از ایشان منقرض نگشته بود چنانچه اگر سلطان اسلام کرده بود در نصرت حق و کلّ مؤمنین تا حال مضاعف گشته بود آنچه در دنیا قصد کرده بودند و قصد نموده‌اند و الآن هم تلافی مافات را می‌توان کرد و تجربه می‌توان کرد اگر مضاعف نشد عود کنند و حکم دین ایشانهم باطل نمی‌شد حال هرکس از خوف مقام خود نگرد تا اینکه رسید بآنجا که رسید که قلم حیا می‌کند که ذکر شود و حال آنکه در نزد ظهور رجعت کلّ اهل بیت و من محض الایمان ۵۱ شد و آنچه در حق ایشان در احادیث دیده شده ظاهر است چنانچه خود متفرس می‌فهمد ولی امروز هم اصلاح مافات را می‌توان نمود زیرا که در نزد صاحب حکم غیر از یک عفت ۵۲ دیگر چیزی نیست بهمین معفو می‌گردند الی یوم القیمة و از مصدر حکم یک عدّبت دیگر امری نیست به همین ممنوع می‌گردند از هر خیری الی یوم القیمة لا تقنطوا من رحمة الله فادخلوا مع الداخلین و کونوا من المؤمنین و الحمد لله ربّ العالمین ۵۳. انتهی